

ابو نصر محمد بن محمد فارابی معروف به فارابی، (حدود سال ۲۶۰ هجری، در فاراب، خراسان، ترکمنستان امروزی – سال ۳۳۹ هجری در سن ۸۰ سالگی<sup>[۱]</sup>] از بزرگترین فیلسوفان ایرانی<sup>[۲]</sup> شرقی سده سوم و چهارم هجری است. اهمیت او بیشتر به علت شرحهایی است که بر آثار ارسطو نگاشته و به سبب همین مشروحات او را معلم ثانی خوانده‌اند و در مقام بعد از ارسطو قرار داده‌اند. وی آثاری نظیر «الجمع بین الرايين»، «اغراض ما بعد الطبيعة ارسطو»، «فصل الحکم» و «احصاء العلوم» را از خود به یادگار نهاده است. در قرون وسطی آثاری چند از او تحت نام Alpharabius، Alfarabi، El Farati، Avenassar به زبان لاتین برگردانده شده‌اند.

## زندگی

ابونصر محمد بن محمد طرخانی ملقب به فارابی، در حدود سال ۲۵۷ هجری قمری / ۸۷۰ میلادی در دهکده<sup>۳</sup> «وسیج» از ناحیه<sup>۴</sup> پاراب (فاراب) در فاراود (شهر اُتار کنونی در جنوب قزاقستان) یا پاریاب (فارابی) خراسان در افغانستان کنونی به دنیا آمد. دهخدا به نفل از بدیع الزمان فروزانفر می‌نویسد: "اسم پدر او طرخان و نام جدش اوزلوغ است. در شرح زندگی فارابی مطلبی که بر جریان واقعی زندگی دوران طفولیت و جوانی وی باشد در کتابها وجود ندارد. ابن ابی اصیعه دو خبر متناقض درباره او نقل می‌کند: اول اینکه فارابی در آغاز کار نگهبان باگی در دمشق بود و دوم اینکه، در عنفوان جوانی به قضایت مشغول بود و چون به معارف دیگر آشنا شد، قضایت را ترک کرد و با تمام میل به طرف معارف دیگر روی آورد. "در جوانی برای تحصیل به بغداد رفت و نزد «متی بن یونس» به فراگرفتن منطق و فلسفه پرداخت. سپس به حرّان سفر کرد و به شاگردی «یوحنا بن حیلان» درآمد.

از آغاز کار، هوش سرشار و علم آموزی وی سبب شد که همه موضوعاتی را که تدریس می‌شد، به خوبی فرا گیرد. به زودی نام او به عنوان فیلسوف و دانشمند شهرت یافت و چون به بغداد بازگشت، گروهی از شاگردان، گرد او فراهم آمدند که «یحیی بن عدی» فیلسوف مسیحی یکی از آنان بود. در سال ۳۳۰ هجری قمری<sup>۵</sup>/ ۹۴۱ میلادی به دمشق رفت و به «سیف الدوله حمدانی» حاکم حلب پیوست و در زمرة علمای دربار او درآمد. فارابی در سال ۳۳۸ هجری قمری<sup>۶</sup>/ ۹۵۰ میلادی در سن هشتاد سالگی در دمشق وفات یافت. عده ایی بر این باورند که ابونصر هنگامی که از دمشق به عسقلان می‌رفت به دزدان برخورد. ابونصر گفت: "هر آنچه از مرکب، سلاح، لباس و مال هست بگیرید و با من کاری نداشته باشید." آنها نپذیرفتند و قصد کشتن او کردند. ابونصر به ناچاربا آنها جنگید و کشته شد. امرای شام از حادثه با خبر شدند. ابونصر را دفن کردند و دزدان را بر سر قبر او دار زدند.

مورخان اسلامی معتقدند که فارابی فردی زهد پیشه و عزلت‌گزین و اهل تامل بود. اعراض او از امور دنیوی به حدی بود که با آن که سیف الدوله برایش از بیت‌المال حقوق بسیار تعیین کرده بود، به چهار درهم در روز قناعت می‌ورزید.

فارابی در انواع علوم بی همتا بود. چنانکه درباره<sup>۷</sup> هر علمی از علوم زمان خویش کتاب نوشته و از کتاب‌های وی معلوم می‌شود که در علوم زبان و ریاضیات و کیمیا و هیات و علوم نظامی و موسیقی و طبیعت و الهیات و علوم مدنی و فقه و منطق دارای مهارت بسیار بوده است.

درست است که کندی نخستین فیلسوف اسلامی است که راه را برای دیگران پس از خود گشود؛ اما او نتوانست مکتب فلسفی تأسیس کرده و میان مسائلی که مورد بحث قرار داده است، وحدتی ایجاد کند. در صورتی که فارابی توانست مکتبی کامل را بیان نمهد.

ابن سينا او را استاد خود می‌شمرد و ابن رشد و دیگر حکماء اسلام و عرب، برایش احترام بالایی قائل بودند.

در سنت فلسفه اسلامی، فارابی را بعد از ارسسطو که ملقب به «علم اول» بود، معلم ثانی لقب داده‌اند.

تاریخ نگار عرب ابن ابی عصیبیه (وفات ۶۶۸ هـ) در کتاب اویون خود اشاره کرده‌است که فارابی که پدر قرآن است از نسب پارسی بود.<sup>[۱]</sup> ابن ندیم در الفهرست خود، و نیز الشهروزی که در حوالی سال‌های ۱۲۸۸ میلادی میزیست و اولین زندگی نامه را نوشته‌است، نسب وی را ایرانی می‌نویسد.<sup>[۲]</sup> علاوه بر اینها فارابی در حاشیه بسیاری از کارهایش به زبان پارسی و سعدی منابعی را معرفی کرده (حتی به زبان یونانی، اما به ترکی نه)،<sup>[۳]</sup> حتی زبان سعدی به عنوان زبان مادری وی<sup>[۴]</sup> و زبان ساکنان فاراب دانسته شده‌است.<sup>[۵]</sup> محمد جواد مشکور ایرانی زبان بودن اصالت آسیای میانه را استدلال کرده‌است.<sup>[۶]</sup> اما فاراب در درجه نخست جزو سرزمین مسلمانان بود و در درجه نخست فارابی به دنیای اسلام و تمام بشریت تعلق دارد و عرب یا پارسی یا ترک بودن وی اهمیتی ندارد.<sup>[۷]</sup> اصالت پارسی فارابی توسط دیگر منابع نیز بحث شده‌است.<sup>[۸]</sup> همچنین پروفسور دانشگاه آکسفورد آقای بوسورث می‌نویسد که چهره‌های بزرگ مانند فارابی، بیرونیو ابن سینا توسط دانش پژوهان علاقمند ترک به نژاد ترکی چسبانده شدند.<sup>[۹]</sup> در دانشنامه ایرانیکا دکتر گوآتاس اظهارات ابن خلکان را نکوهش کرده و مدارک پیش از وی در این زمینه از ابن عصیبیه در مورد پارسی بودن فارابی باعث شده تا ابن خلکان به تلاش برای مدرک‌سازی جهت ترک نشان دادن وی باشد.<sup>[۱۰]</sup> در این چهارچوب وی اشاره می‌کند که ابن خلکان ابتدای اسم فارابی نسبت الترک را افزود در حالی که فارابی هرگز چنین نسبتی را نداشته است.<sup>[۱۱]</sup>



اسکناسی که هم اکنون در جمهوری قزاقستان رواج دارد

قدیمی‌ترین کسی که نسب فارابی را ترک دانسته ابن خلکان بوده است. وی در اثر خود وفایات فارابی را متولد فاراب و روستای کوچکی به وسیع که اکنون به نام اترار در قراقستان شناخته می‌شود از والدینی ترک به دنیا آمده است می‌داند. برخی منابع دیگر نیز به این جریان معتقدند